استقلال خپلواکی
www.esteqlaal.net

حمید انوری یکشنبه ۰۱ نوامبر ۲۰۲۶

دمی دیگر با فردی با تخلص "میرزاده"

دم دیگر در خدمت "عبدالقیوم میرزاده" قرار گرفته و اندک درنگی میکنم، بر چند چرند دیگر وی. ایشان در این طومار خویش گویا گُلی میزنند به کاکل یک خائن دیگر به نام" محمد اعظم سیستانی". می نویسند:

"...، یکی از نشانه های برجستهٔ بلوغ فکری، رشد فرهنگی و مسئولیت پذیری اجتماعی هر ملت، میزان احترام و قدرشناسی آن نسبت به دانشمندان، اندیشمندان، نویسندگان و پژوهشگرانی است که عمر گرانبهای خویش را در راه گسترش دانش، روشن ساختن حقایق تاریخی و حفظ میراث فرهنگی جامعه صرف کرده اند. دانشمندان و پژوهشگران، سرمایه های معنوی یک ملت اند. آنان با تحمل دشواری های فراوان، صرف وقت، امکانات و توانایی های فکری خویش، آثاری می آفرینند که نه تنها برای نسل حاضر، بلکه برای نسل های آینده نیز سرچشمهٔ آگاهی، شناخت و تفکر به شمار میروند..."

پیش از آنکه در مورد سفسطه پراگنی های این سرسپردهٔ نجیب گاو درنگی داشته باشم، لازم می افتد تا به یک لیست مختصر از قتل عام " دانشمندان، اندیشمندان، نویسندگان و پژوهشگران" افغان زمین رجوع نموده و مشاهده کنیم که رفقای حزبی این فرد فروخته شده و وجدان مرده، در زمان حاکمیت نیم بند شان و نیز در زمان اشغال افغانستان توسط اربابان روسی شان برسر همین" دانشمندان، اندیشمندان، نویسندگان و پژوهشگران" هموطن ما چه آوردند و چه گلی بر کاکل شان زدند:

"استادان پوهنتون کابل که در دورهٔ زمامداری کمونیستان به شهادت رسیدند.

استادان ذیل از فاکولته طب کابل اعدام شدند:

- داکتر عبدالفتاح همراه استاد پوهنځی طب کابل
- داکتر عبدالعظیم مجددی
- داکترمحمد هاشم مهربان
- داکترحاج علی جاغوری

-داکتر عبدالغفار

- داکتر عبدالظاهر رزبان

- داکترسید کاظم دادگر

- داکتر عبدالاحد

استادان ذیل از فاکولتهٔ زبان و ادبیات اعدام شدند :

- زمریالی ناصری

- محمد علم نورستانی

- امیر محمد یار

- خان آبادی

- زکریا

- علی حیدر لهیب

- عبدالرزاق

- خانبار

استادان ذیل از فاکولتهٔ شرعیات اعدام شدند :

- استاد غلام محمد نیازی (یکی از بنیانگزاران نهضت اسلامی)

-استاد وفیع الله سمیعی

- استاد حبیب الرحمن

- استاد ایازالله مخه ور

- استاد غلام فاروق

- استاد نصیر احمد

استادان ذیل از پوهنځی انجنیری اعدام شدند:

- محترم استاد محمد حسن

- محترم استاد محمد صدیق

- محترم استاد محمد محسن

- محترم استاد عبدالکریم

-محترم استاد عبدالکریم ابراهیم خیل

استادان ذیل از فاکولتهٔ علوم اجتماعی اعدام شدند:

- محترم استاد غلام غوث شجاعی

- محترم استاد دوست محمد کامکار

-محترم استاد عبدالسلام

استادان ذیل از فاکولتهٔ حقوق و علوم سیاسی اعدام شدند :

- محترم استاد محمد عارف

- محترم استاد نجیب الله

- محترم استاد عبدالغفور سلطانی

- فضل احمد احراری از پوهنځی فارمسی اعدام شد.

- عزیزالله از پوهنځی اقتصاد اعدام شد.

این لیست با هزاران هزار درد و دریغ سر دراز دارد، شاید در منابع دیگر موجود باشند، اما ناگفته نباید گذاشت که رژیم سفاک و خون ریز "دیموکراتیک خلق" به سردمداری نجیب گاو " با عرض معذرت از تمام گاوان جهان"، در آخرین لحظات عمر ننگین و خفتبارش، تمام اسناد جرم و جنایت و خیانت شان را نابود کردند و....

در چنان اوضاع و احوال خونین و رقتبار و شرم آور به خلقی ها و پرچمی های بی شرم و دیده درا و جنایت گستر و میهن فروش و...، دستور داده شد تا تمام اسناد و شواهد را قبل از سقوط خفت بار شان، به آتش کشیده و هیچ نشانه ای از جرم و جنایت و خطا و خیانت شان بجا نگذارند، اما شرمساری همکاری با چنان ددمنشان تاریخ زده و خدا شرمانده و مردم رانده را آقایان" میرزاده" و "سیستانی" که یکی در همان دور و زمان "شارژدافیر " رژیم ددمنش و خون ریز در پشاور بود و دیگری "عضو شورای انقلابی" رژیم در کابل و هر دو هم شاهد زنده و بر حال تمام آن جنایات ددمنشانه بودند و خمی هم بر ابرو نیآوردند و...

بگذار این جنابان شرف باخته، یکی از دیگری تعریف و توصیف کنند و یکی دیگری را به آسمان هفتم بلند و بلند تر ببرد، عاقبت تشت رسوائی شان از همان آسمان هفتم بر زمین خواهد خورد و نگین نگین خواهد شد و آن روز دور نیست، اما تا آن زمان وظیفهٔ ملی و میهنی ما و وظیفهٔ ایمانی و وجدانی همهٔ ما است که به چرندیاتی از نوع تفاله های "میرزاده ها" و "سیستانی ها" و امثال شان، پاسخ های در خور شخصیت های شان بدهیم، "تا سیه روی شود، هرکه در او غش باشد".

" دانشمندان، اندیشمندان، نویسندگان و پژوهشگران و..." همه وهمه را رفقای حزبی"سیستانی ها" و" میرزاده ها" از دم تیغ عداوت خود کشیدند و از کشته های شان پشته ها ساختند و امروز داد از

همان کشته های دستان خونریز خود میزنند و یکی دونفر از بی غم باشان هم برای شان کف میزنند و تعریف و توصیف میکنند و نیز یکی دیگری را در موقعیت مؤرخ و نویسنده و محقق و چند چیز دیگر قرار می دهند و سفسطه بافی و چرند گوئی را نیز به حد آخر رسانیده اند.

دی و پری همین جاسوس زاده ها، به هزاران هزار نخبه و استاد و مؤرخ و... را با قساوت تمام روانهٔ زندان ها و کشتارگاه ها نمودند و امروز از بستر نرم و گرم غرب، همدیگر را به آسمان هفتم بلند میبرند و چرند می بافند و خود را نویسنده و مؤرخ و چند چیز دیگر ساخته و یکی از دیگری تعریف و توصیف میکنند و گذشته های ننگین و خونین خویش را گویا فراموش نموده اند.

جناب"سیستانی" به لیست بالا از روی لطف یک نظر انداخته و بعد با وجدان نداشتهٔ تان به یاد بیأورید که در زمان آن کشتار مهیب هموطنان شریف ما، در کمیته مرکزی حزب مشغول چه کاری بودید.

